

کودکان فلج مغزی سرآمد

فخرالسادات میرلوحی / کارشناس ارشد روان شناسی

مقدمه

با آنان برقرار کنیم که این خود به سازگاری بیشتر و حتی تقویت مهارت‌های حرکتی آنان خواهد انجامید.

جهت شناسایی دقیق‌تر این کودکان ابتدا شناختی کلی و سپس بررسی‌های انجام شده در طی تحقیقات موردی به صورت جمع بندی شده و مشخص بیان می‌گردد. امید است که این مبحث به تغییر نگرش و عملکرد تمام کسانی که با کودکان فلج مغزی در تماس هستند شده و سبب شکوفایی بیشتر و بهتر آنان شود.

۱. فلج مغزی چیست؟

اصطلاح فلج مغزی بیانگر مجموعه‌ای از شرایط غیرمتجانس عصب شناختی، روان شناختی و آموزشی است از نظر عصب شناسی تعریف این حالت، نقص حرکتی دائمی است که از ضایعه مغزی ناشی می‌شود. آسیب مغزی ناشی از آسیب‌هایی است که طی دوران حاملگی، زایمان، دوران نوزادی یا سال‌های اول زندگی و یا به دلیل عوامل ارثی رخ می‌دهد. این تعریف معمولاً توسط پژوهشگران در این رشته مورد استفاده قرار می‌گیرد. فلج مغزی را می‌توان بر طبق علایم عصبی - کلینیکی به صورت زیر طبقه بندی کرد:

مطالب بیان شده در این مبحث توجه افرادی که با کودکان فلج مغزی در تماس می‌باشند را به این مطلب جلب می‌نماید که به طور کلی کودکان فلج مغزی با محدودیت حرکتی همواره کمتر از توانایی‌های هوشی خود ارزیابی می‌شوند و این مهم‌ترین محدودیتی است که در آموزش به آنان داریم و همچنین محدودیتی که از نظر فکری در مورد پیشرفت آنان در ذهن متصور می‌شویم.

این نگرش ما به فلج مغزی به طور کلی سبب می‌شود که همه‌ی کودکان فلج مغزی را از نظر هوشی در حد مرزی و کمتر از آن بدانیم، کمتر به بهینه‌سازی روش‌های آموزش آنان اقدام نموده و بیشتر در جهت رفع مشکلی که از نظر حرکتی دارند پردازیم. در حالی که با نگاهی دقیق‌تر خواهیم دید که در ارزیابی این گروه از کودکان دچار خطایی شده‌ایم که سبب محدودیت بیشتر آنان و افت سایر توانایی‌ها در آنها گردیده‌ایم. چه بسا با اصلاح شیوه‌های تدریس خود و بخصوص استفاده از جایگزین‌هایی چون صفحه کلید کامپیوتر برای بیان خواسته‌ها و کار نوشتاری آنان و استفاده از سوال‌های کوتاه پاسخ روی صفحات الکترونیکی که با قطع و وصل کردن کلیدی ساده ارتباطی تنگاتنگ

فلج مغزی اسپاسمی^۲

طبق بررسی‌های انجام شده به روی نتایج آزمون‌های هوشی چنین استنباط می‌شود که بدون تغییر اساسی در آزمون‌ها برای کشف توانایی‌های کودکان فلج مغزی با توانایی هوشی بالا (کودکانی که صحبت کردن یا زبان‌شان آسیب دیده است) نمی‌توان جایگاه تحصیلی مناسبی برای آنها پیش بینی کرد.

این نوع فلج مغزی بیشترین تعداد افراد را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین نشانه‌های مربوط به عصب شناسی در این نوع فلج مغزی، سفتی عضلات و عدم توانایی در شل کردن آنهاست. میزان معلولیت متغیر است و ممکن است فقط یک دست یا یک پا، هر دو دست و یا یک پا دو دست و دو یا تمام بدن را فرا بگیرد. حدود ۷۵ درصد از کودکان دچار فلج مغزی حالت سفتی عضلانی را به عنوان نشانه اصلی عصب‌شناختی بروز می‌دهند.

فلج مغزی آتوید^۳

در این گروه نشانه‌های اصلی مربوط به عصب شناسی، مانند حرکات غیرارادی مشاهده می‌شود که با حرکات ارادی طبیعی مثل نوشتن، راه رفتن و صحبت کردن تداخل می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد افراد دچار فلج مغزی حالت سفتی عضلانی را به عنوان نشانه اصلی عصب‌شناختی بروز می‌دهند.

فلج مغزی آتاکی^۴ (ناهماهنگی حرکات ارادی مکرر)

نشانگان غالب در این گروه ناهماهنگی حرکات ارادی مکرر در اثر گام برداشتن بی ثبات و عدم توانایی در کنترل کامل بدن می‌باشد. غالباً هماهنگی چشم و دست تحت تأثیر این نشانگان قرار می‌گیرد.

حدود ۵ درصد از کودکان دچار فلج مغزی این علائم را نشان می‌دهند. این حالت در مقایسه با حالات دیگر بسیار نادر است.

**افراد سرآمد فلج مغزی
خودشناسی مطلوبی داشته و به اینک
به تمام آرزوهایشان نخواهند رسید
اعتراف می‌نمایند**

کودکانی که در حرکت محدودیت دارند، ممکن است در آزمون‌های عملی و یا غیرکلامی که احتیاج به دستکاری دارد و تغییرات گسترده را می‌طلبد، ناتوان باشند.

بنابراین، تجارب محدود زندگی که در نتیجه‌ی اختلال سهولت حرکت به وجود می‌آید ممکن است نمره‌های آزمون‌ها را به صورت غیرطبیعی پایین بیاورد (هوکانسون و جسب ۱۹۷۶، ویدمور مارکر ۱۹۸۵).

یکی دیگر از ملاک‌ها که برای تعیین کار در برنامه‌ی دانش‌آموزان سرآمد اغلب به کار می‌رود از طرف معلم پیشنهاد می‌شود که همان لیست‌های استاندارد شده از صفات اختصاصی است (هارتمن و کالاهان ۱۹۷۶، وایت، اسمیت، رنزولی) که این نیز برای نمایان ساختن استعدادها و پنهان در کودکانی که با فقدان بعضی از قابلیت‌ها روبه‌رو هستند کافی نیست.

با توجه به نظر محققان و کامل نبودن عملکرد آزمون‌ها در تشخیص این کودکان، تحقیقات کیفی بین فردی برای مدت سه سال روی چند دانش‌آموز فلج مغزی آتوئید و اسپاستیک که گفتارشان نشانگر توانایی‌های شناختی شان نبود، صورت گرفت و این تحقیقات موارد مختلفی را مورد بررسی قرار داد که در ادامه به آن اشاره می‌شود (این کودکان در طی مرحله‌ی تولد فلج شده بودند).

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

۱. مشاهده‌ی توأم با مشارکت
۲. مصاحبه
۳. تحلیل اسناد
۴. نوار شنیداری
۵. نوار دیداری

ویژگی‌های کودکان سرآمد در مواردی به صورت علمی به اثبات رسیده است و تحقیقات موردی نشان می‌داد که بعضی از این نشانه‌های سرآمد بودن از توانایی‌های آنها تأثیر یافته و تغییر پیدا کرده بود. برخی ملاک‌های انتخاب موارد سرآمد بودن عبارت بودند از:

۱. موارد مورد بررسی قدرت تشخیص داشته باشند.
 ۲. در بیش از ۵۰ درصد موارد از شیوه‌های ارتباطی به‌غیر از صحبت کردن استفاده می‌کردند.
 ۳. موارد مورد بررسی قدرت شناخت بالایی داشته باشند.
- نتایج نشان داد که این کودکان در موارد زیر که همان خصوصیات شخصی عملی آنهاست در حد بالایی هستند.

این کودکان اکثراً به حالت جبرانی مهارت‌هایی را گسترش می‌دهند که به موفقیت برسند. آنها اکثر مواقع در یافتن راه حل مسایل و انجام کارهای متعدد خلاقیت‌هایی را نشان می‌دهند و ممکن است یک مخزن موثر از دانش مانند حافظه‌ای عالی و توانایی‌های استثنایی در حل مسایل داشته باشند. چنین دانش‌آموزانی معمولاً اهداف دوره‌ای دراز مدت را تنظیم می‌کنند و بر آن پافشاری می‌کنند و علت رسیدن آنها به هدف اغلب همین مشخصه‌ی شخصی سختگیری و کمال‌گرایی آنهاست. همچنین ویژگی‌های این دانش‌آموزان سرآمد با ناتوانی فیزیکی زمینه‌ای برای شرح حال عمومی یا اختصاصی می‌تواند باشد.



عکس از: فاطمه ماشاله پور

(هاوینگ، ۱۹۹۲) مواردی از توانایی‌های حل مسئله‌های پیچیده و استعداد در موضوعات اختصاصی، پایداری، استقلال برای نیازها و رشد مهارت‌ها و جبران کردن ناتوانی برای سریع خواندن را مطرح نمودند. سیگلمن، ۱۹۷۷ و ورنون، ۱۹۷۰ برآورد کردند که بیش از نیمی از افراد با فلج مغزی از هوشبهر متوسط یا بالاتر برخوردارند که آتوئیدها هوشبهر بالاتری را نشان دادند.

بصیرت

افراد فلج مغزی سرآمد خودشناسی مطلوبی داشته و به اینکه به تمام آرزوهایشان نخواهند رسید اعتراف می نمایند. گاه بدون توجه به محدودیت‌های خود، ایده آل خود را بیان می نمایند.

هرگاه در انتخاب نظرشان درگیری با خودشان پیدا کنند از خودشان سؤال می کنند و سپس انتخاب را انجام داده و چگونگی انجام وظایف را برای خود روشن می سازند و به این تصمیم گرفته شده اعتماد می کنند و اکثراً مریبان آنها بهترین ارزیابی را در مورد رشد یافتگی آنان دارند.

این رشد یافتگی در رابطه با روشی است که آنان برای تربیت کردن خود دارند. وقتی آنها در انتظار کاری نشسته اند، خود را مشغول انجام کاری می کنند و کمتر با دیگران درگیری دارند و کمتر خشمگین می شوند. گروه فلج مغزی سرآمد به طور وضوح تابلو دوستی‌ها و ارتباطات خود را کم و زیاد می کنند و در صورتی که لازم بدانند ارتباط خود را قطع می نمایند.

در واقع خصوصیات معمولی زودتر از موعد در این افراد پدیدار می گردد.

در طی تحقیقات، روش‌های تعیین هویت و ارتباط و تمرینات تحصیلی ما را در شناخت مطلوبتر آنان موفق می گرداند.

تعیین هویت

۱. هویت دانش آموزان سرآمد در میان این گروه که ناتوانی حرکتی دارند نگاه استعداد برتر از نگاه به ناتوانی‌ها خواهد بود.
۲. مشاهده‌ی دقیق کودکانی که به مردم و

۱. توانایی خواندن سریع
۲. پیش بردن توانایی عملی شان
۳. واژه‌ها
۴. مهارت‌های نوشتن
۵. مهارت‌های ریاضی
۶. توانایی تجزیه و تحلیل شخصی
۷. کنجکاوی
۸. بصیرت
۹. احساس هوشمندی
۱۰. رسیدگی (بلوغ)
۱۱. تصمیم / مصرا نه
۱۲. شکیبایی
۱۳. تعیین موقعیت اهداف
۱۴. شناسایی محدودیت‌ها
۱۵. استفاده‌ی عاقلانه برای غلبه بر ناتوانی‌ها

صفات بارز شخصی

سریع بودن، کنجکاوی، بصیرت، هوش به کار بردن شوخی و عقلا نی بودن را دارا می باشند. همچنین این گروه از هوششان برای جبران ناتوانی‌هایشان استفاده می کنند.

تحقیقات نشان می دهد

**که حدود ۱۰ درصد افراد دچار
فلج مغزی حالت سستی و اسپاسمی
را به عنوان نشانه اصلی عصب شناسی
بروز می دهند**

موفق بودن آنها در آزمون‌های اجتماعی و اینکه هرگز راه‌های اتفافی را در پیش نمی گیرند و از تماشای فعالیت‌هایی که حتی قادر به انجام آن نیستند لذت می برند.

۳. زمان دادن به بحث‌هایی که برای آنان از نظر فکری ارزشمند است مهم می‌باشد.
۴. تشویق و ظایف یادگیری مشارکتی با دیگر همسالان با تنوعی که والدین به وجود می‌آورند و یا در کلاس توسط آموزگار پیش‌بینی می‌شود.

رخدادهای اطرافشان واکنش نشان می‌دهند.
۳. از اطلاعات والدین در مورد فرزندانشان در منزل، پیشرفت‌های آنان نتیجه‌گیری می‌شود.
۴. مدارکی از توانایی‌هایی یادگیری و حافظه دیده می‌شود.

تمرینات تحصیلی

۱. یادگیری را سرعت ببخشیم تا رضایت بخش گردد (به جای اینکه بیشتر وقت‌مان را روی مهارت‌های حرکتی که به آن احتیاج است صرف کنیم).
۲. تکلیف‌ها را ساده کرده و مطالبی که سودمند هستند را پس از سادگی ترکیبات تعیین نماییم.
۳. در انجام آزمایشات به آنان استقلال عمل دهیم.
۴. اجازه دهیم دانش آموز به طور متفاوت از مدل‌ها استفاده نماید (اجازه شکوفایی خلاقیت و آزادی عمل بدهیم).



عکس از: ناصر جعفری

دانش‌آموزان سرآمد، در طی آزمون، اطلاعاتی را از خود بروز می‌دهند که قبلاً در مورد آنها آموزش ندیده‌اند. همچنین آنها توانایی خاص در بیاد آوری زمان‌های تعیین شده دارند و بهتر از والدین‌شان یا هر فرد دیگر زمان‌بندی‌ها را پیشنهاد می‌کنند که این موارد نشانه‌ی حافظه برتر آنها است

توانایی‌های ریاضی

کودکان فلج مغزی سرآمد که در تحقیق مورد بررسی قرار گرفته بودند می‌توانستند در جمع و تفریق ۴ رقمی اعداد را به طور کامل وارونه ساخته و بر تفریق و جمع تسلط کامل داشتند در حالی که چنین چیزی را آموزش ندیده بودند. آنها جمع‌های ۳ رقمی را در ذهن انجام می‌دادند و حتی پاسخ‌ها را از چپ به راست بیان می‌کردند که این برای سن ۸-۷ سال غیر معمول می‌باشد. این موارد در سال اول تمام سه پایه‌ی اول، دوم و سوم را به پایان رسانده بودند.

ارتباط

۱. راهنمایی معلمان و دیگر دوستانشان توسط این بچه‌ها و همچنین کوتاه کردن ارتباط و استفاده از متخصصان و افرادی که تلفظ‌های صوتی آنان را می‌فهمند بیانگر تأمین شخصی خواسته‌های آنان در ارتباطات می‌باشد.
۲. هوشیار بودن آنان برای رفع اشکالات و یا آشفته‌گی که در مقابل یک عدم ارتباط، خطا یا اشتباه نظری که رخ داده باشد، قابل توجه و بررسی است.

یادداشت‌های روزانه

یکی از آنان در یادداشت‌های روزانه خود در مورد شعرها صحبت می‌کند. او می‌گوید «شعرها نمی‌توانند در تصاویر ذهنی کسی رخنه کنند وقتی که آنها روی درختند و چیده نشده‌اند».

در حالی که آنها به زحمت با کمک والدین خود یا به کمک ذهنشان آوا نویسی می‌کردند در حالی که نوشته‌های انتخاب شده آنها به زحمت فهمیده می‌شد و گاه این کار را با انرژی زیاد و زمانی آرام انجام می‌دادند و گاه معلمان یادداشت‌های آنان را اصلاح می‌کردند. در این یادداشت‌ها موضوع نگارش آزاد بود و تنها هدف تقویت خلاقیت و طرح دیدگاه‌ها بود. روش‌های ارتباطی آنان با استفاده از نقاط چشمی برای نوشتن، یا داخل کدهای موریس قابل انجام بود و این در حالی بود که آموزگار در ابتدا مانده بود که این دانش‌آموزان که تکلیف کلاس را انجام نمی‌دهند چه می‌خواهند بکنند یا حتی وقتی آموزگار سوال‌های آنان را نمی‌فهمید چگونه می‌توانست برای آموزش آنها مفید باشد. اصولاً این کودکان در فعالیت‌های آزاد معلم شرکت کرده و کمتر به مطالب رسمی و کلیشه‌ای توجه می‌کردند حتی در بازی بدون آنکه بازی را انجام دهند قادر بودند که دفعات احتمالی موفقیت را حدس بزنند حتی با گیر انداختن قلم مو در دهان قادر به اتمام نقاشی با رنگ روی پارچه بودند و یا طبع سرودن شعر، طنز و کنایه را دارا بودند. توانایی خواندن آنها در سن ۳ سالگی چنان بود که درک معنی را پیدا کرده بودند و این نشانگر آن بود که در آن

سن کم توانسته بودند افکارشان را منظم کنند.

هوش هیجانی

این کودکان به دلیل تعبیر مثبتی که از محیط داشتند به سازگاری خوبی با محیط اجتماعی خود رسیده بودند. همان‌طور که تحقیقات شریفی در آمدی (۱۳۸۴) نشان داده است افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، وقایع را مثبت‌تر تعبیر می‌کنند و در نتیجه رفتار سازگارانه‌تری از خود نشان می‌دهند.

آنها اکثر مواقع در یافتن راه حل مسایل و انجام کارهای متعدد خلاقیت‌هایی را نشان می‌دهند و ممکن است یک مخزن موثر از دانش مانند حافظه‌ای عالی و توانایی‌های استثنایی در حل مسایل داشته باشند

این دانش‌آموزان به شدت عصبانی نمی‌شدند و فشار نواقص جسمی و ضعف‌ها و سایر فشارها را تحمل می‌نمودند و در کل بسیار سازگار و موفق بودند که حاکی از هوش هیجانی بالای آنان در موقیت‌های زندگی‌شان بود و کارهای خلاق آنها از افکار خلاقشان ناشی می‌شد. همان‌طور که استرنبرگ^۷ (۲۰۰۴) تفکر خلاق را ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظراتی است که فرد را قادر می‌سازد به نتایج مولد بیاندهد و حاصل آن رضایت شخصی و خشنودی دیگران است. مانند کارهای هنری

دانش آموزان فلج مغزی - سرآمد که همین نتایج را در بر داشت.

سخنی با همکاران شاغل در کلاس های کودکان فلج مغزی با کم توان ذهنی

گاه احساس لطیف این کودکان در قالب متن های لطیف ، سرودن شعر و حتی کار طراحی روغنی خود را نشان می دهد و شعرهای جالب آنها بیانگر خلاقیت در آنهاست . بنابراین در بسیاری از مواقع جهت بروز و رشد استعدادها ، تغییرات در نحوه ارزیابی ها و

آموزش ترمیمی ، امری لازم و بدیهی به شمار می آید . بسیاری از دانش آموزان کم توان ذهنی که هم اکنون مشغول به تحصیل می باشند . قبلاً در سطح حمایت پذیر تشخیص داده شده بودند . لذا همکاران محترم درصدد باشند که راه های مناسب تر آموزشی برای کودکان کم توان ذهنی یا فلج مغزی پیش بینی نمایند . همچنین کار توان بخشی آنها نظیر فیزیوتراپی ، کاردرمانی ، گفتاردرمانی به دقت پیگیری شده و خود را با این ذهنیت که آنان کندذهن هستند محدود نکنند .

زیر نویس ها:

- | | |
|-------------------|-----------------|
| 1. Cerebral Palsy | 5. Participants |
| 2. Spasm | 6. Barker |
| 3. Attitude | 7. Strenberg |
| 4. Ataxia | |

منابع :

- براهنی ، محمد تقی (۱۳۸۲) . واژه نامه روان شناسی ، تهران: فرهنگ معاصر
- شریفی در آمدی ، پرویز (۱۳۸۴) . تأثیر آموزش هوش هیجانی بر سلامت روان مادران فلج مغزی در شهر اصفهان . دانش و پژوهش در روان شناسی . جلد ششم . صص ۶۳-۶۵
- فینی ، نانسی (۱۳۷۲) . کودک مبتلا به فلج مغزی ، مراقبت و توان بخشی ، ترجمه شرمین خزائلی ، مشهد: آستان قدس رضوی .

The council for Exceptional children. 1998 Academic and Personality Characteristics of Gifted, Students with Cerabral Palsy : A Multiple Case Study. Exceptional children. Vol. 65, No, 1, PP. 37-50.

Strenberg, R, 2001 Psychology in search of the Human mind . chapter 3 Pages (59).